

نوع مقاله : پژوهشی

سازمان دفاعی شمال و شرق شهر آرجان از دوران ساسانی تا پایان دوره سلجوقی: قلاع و

استحکامات

ابراهیم قزلباش^۱، احمد آزادی^{۲*}، محمد مرتضایی^۳

چکیده

براساس منابع مکتوب تاریخی سده‌های نخستین اسلامی، شهر آرجان به عنوان مرکز کوره ارجان در دوران ساسانی و اسلامی جایگاه سیاسی بسیار مهمی در جنوب غربی ایران داشته است. بررسی و مطالعه قلاع و استحکامات این شهر از آن رو مهم است که با وجود اهمیت زیاد این شهر، نه تنها در متون تاریخی هیچ گونه اشاره‌ای به استحکامات این شهر نگردیده، بلکه در تهاجمات مختلفی که طی پنج سده از آغاز ورود اسلام به ایران تا پایان دوره سلجوقی به ویرانی آن ختم گردید مقاومتی از سوی قلعه‌نشینان شهر نیز گزارش نشده است. بررسی و مطالعه باستان‌شناختی پیشینه ساخت و جایگاه قلاع و استحکامات مرتبط با سازمان دفاعی شهر آرجان و تاثیر عناصر چشم‌انداز طبیعی بر مکان‌گزینی قلاع و رعایت اصول پدافند غیرعامل این شهر، از مهمترین اهداف پژوهش حاضر است. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم: ۱- چشم‌انداز طبیعی منطقه چه تاثیری بر سازمان دفاعی شهر آرجان داشته است؟ ۲- قدمت قلاع و استحکامات دفاعی و دیده‌بانی شهر آرجان به چه دوره‌ای بر می‌گردد؟ ۳- جایگاه قلاع و استحکامات شهر آرجان در سازمان دفاعی این شهر چگونه بوده است؟ در این مقاله براساس بررسی منابع مکتوب تاریخی و جغرافیایی دوران اسلامی و همچنین شواهد باستان‌شناختی حاصل از بررسی‌های میدانی باستان‌شناختی، با رویکرد توصیفی-تاریخی، به موضوع خواهیم پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سازمان دفاعی شهر آرجان در آغاز شکل‌گیری این شهر یعنی دوره ساسانی، بیش از هر عامل دیگری بر کنترل و دیده‌بانی تنگه‌های ارتباطی شمال و شرق این شهر، متمرکز بوده است، به طوری که بر فراز تنگه تکاب سه قلعه وجود داشته است. با توجه به یافته‌های باستان‌شناختی سفال و شواهد معماری، پیشینه ساخت این قلاع به دوره ساسانی بر می‌گردد، لیکن در دوران اسلامی تنها سه قلعه در ضلع جنوبی تنگه تکاب، یعنی قلعه‌های کلات، خیرآباد و قلعه نادر به حیات خود در دوره اسلامی ادامه داده‌اند که از لحاظ وسعت و موقعیت نیز جایگاه استراتژیکی در میان قلاع دیگر داشته‌اند.

واژگان کلیدی: شهر آرجان، سازمان دفاعی، قلاع و استحکامات.

ارجاع: قزلباش، ابراهیم؛ آزادی، احمد؛ مرتضایی، محمد. ۱۴۰۲. سازمان دفاعی شمال و شرق شهر آرجان از دوران ساسانی تا پایان دوره سلجوقی: قلاع و استحکامات. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸ (۱): ۱۶۲-۱۷۵.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: a.azadi@richt.ir

۳- دانشیار باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

مقدمه

از زمان شکل‌گیری نخستین شهرها در دوران تاریخی و اسلامی ایران، ساخت قلاع و استحکامات دفاعی مانند دیوارهای دفاعی دور شهر (بارو)، خندق، ارگ و قلاع و برج‌های دیده‌بانی، از مهمترین ضروریات رعایت اصول پدافند غیرعامل در سازمان دفاعی شهرها بوده است. قلاع و استحکامات نظامی نه تنها در ارتباط با شناخت سازمان دفاعی شهرها و مراکز جمعیتی، بلکه از مهمترین مظاهر مادی شناخت راه‌ها و گذرگاههای ارتباطی نیز محسوب می‌شوند. کوره آرجان که گستره جغرافیای سیاسی-اداری آن طی دوران ساسانی تا پایان سلجوقیان از سوی جنوب و غرب تا کرانه‌های خلیج فارس از ماهشهر تا گناوه کنونی و از سمت شمال تا رشته کوه دنا و از شرق تا حدود مرز باشت با ممسنی در محل پل پرین را در بر می‌گیرد (شکل ۱)، دارای حدود ۹۰ قلعه از این دوره است که با توجه به مطالعات باستان‌شناختی انجام شده، این قلاع دارای کارکردهای گوناگونی چون حفاظت از منابع زیستی، سازه‌های مرتبط با کشاورزی، حفاظت از مراکز جمعیتی و راه‌های ارتباطی بوده‌اند (سپیدنامه و دیگران، ۱۳۹۹). از مهمترین مراکز جمعیتی این کوره، شهر آرجان به عنوان حاکم‌نشین و مرکز سیاسی-اداری آن بوده که نقش مهمی در توسعه پایدار و ثبات اداری-سیاسی تمامی مناطق تحت نظارت حوزه جغرافیایی مذکور طی حدود شش قرن از زمان قباد ساسانی تا اواسط قرن ششم هجری یعنی تا پایان دوره سلجوقی داشته است (رایگانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۴-۴۱). مساله این پژوهش عدم اشاره منابع مکتوب تاریخی سده‌های نخستین و میانه اسلامی در خصوص ساختارهای دفاعی شهر و رعایت اصول پدافند غیرعامل شهرسازی و سازمان دفاعی آن در هنگام بنیان‌گذاری این شهر طی حدود شش سده متوالی از زمان شکل‌گیری آن است. مطالعه سازمان دفاعی شهر آرجان نه تنها به لحاظ ارائه مدارکی جهت بازسازی نظام دفاعی ایالت پارس در عهد ساسانی، بلکه به لحاظ سازمان دفاعی این شهر در مقابل ناآرامی‌ها و جنبش‌های داخلی نظیر اسماعیلیان در اوایل سده‌های میانه اسلامی (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۳/۱۷-۲۹۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۱: ۹۷؛ سپیدنامه و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۹) نیز واجد اهمیت است. در بررسی‌های باستان‌شناختی مرداد و آبان ماه سال ۸۶ که به مدت دو ماه با هدف شناسایی محوطه‌های باستانی واقع در محدوده‌ی پروژه‌ی لرزه‌نگاری اکتشاف نفت منطقه‌ی منصورآباد بهبهان انجام شد، حدود ۶۰ اثر باستانی در منطقه‌ای به مساحت حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع شناسایی گردید که از این تعداد، ۵ قلعه بر روی ارتفاعات شمالی شهر و دو قلعه نیز بر روی تپه ماهورهای شمال‌شرق شهر آرجان در فواصل مختلف قرار داشتند. شواهد باستان‌شناختی و مکان‌گزینی قلاع یاد شده نشان می‌دهد بنیان این شهر در طول شش سده حیات شهر به ساخت قلاع دیده‌بانی و امنیتی شهر همت گمارده‌اند، با این وجود، یافته‌های باستان‌شناختی سطحی این قلاع بر اهمیت سازمان دفاعی شهر در دوران مختلف حکایت دارند. شوربختانه منابع سنجش از دور مانند عکس‌های هوایی هیچ گونه دیوار دفاعی دور شهر به خصوص در هسته اصلی شهر را نشان نمی‌دهند. از سوی دیگر، پراکنش آثار معماری زیادی در دو سوی رودخانه مارون تا فاصله‌ی پنج کیلومتری آن مانند کوشک ساسانی اسدآباد (پیمانی، ۱۳۹۰؛ زارع و عطایی، ۱۳۹۰) و قنات‌ها و پلهای تاریخی آن، که در متون تاریخی نیز به آنها اشاره شده است (اصطخری، ۱۳۶۸؛ رایگانی، ۱۳۹۴: ۱۸۳) و از تنگه تکاب تا هسته اصلی شهر امتداد دارند، نشان می‌دهد که سازمان دفاعی شهر فراتر از وجود باروی این شهر و برجهای احتمالی مرتبط با آن و ارگ شهر بوده است. بنابراین، با توجه به گستره پراکنش آثار مرتبط با حیات شهر، انجام بررسی و مطالعه باستان‌شناختی ساختارهای دفاعی پیرامونی شهر ضرورت یافته است که پژوهش حاضر در این راستا انجام شده است.

پرسش‌های پژوهش

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: ۱- چشم‌انداز طبیعی منطقه چه تاثیری بر سازمان دفاعی شهر آرجان داشته است؟ ۲- قدمت قلاع و استحکامات دفاعی و دیده‌بانی شهر آرجان به چه دوره‌ای بر می‌گردد؟ ۳- جایگاه قلاع و استحکامات شهر آرجان در سازمان دفاعی این شهر چگونه بوده است؟

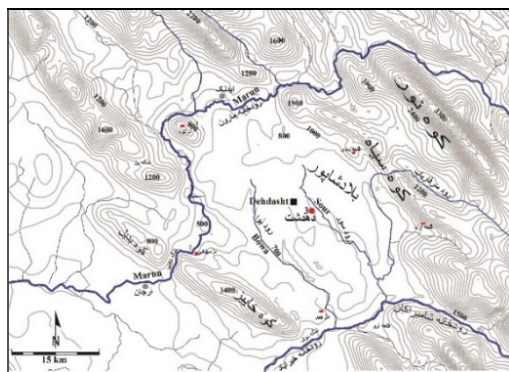
روش پژوهش

در این مقاله براساس بررسی منابع مکتوب تاریخی و جغرافیایی سده‌های نخستین و میانه اسلامی و همچنین شواهد باستان‌شناختی حاصل از بررسی‌های میدانی، با رویکرد توصیفی-تاریخی، به موضوع خواهیم پرداخت.

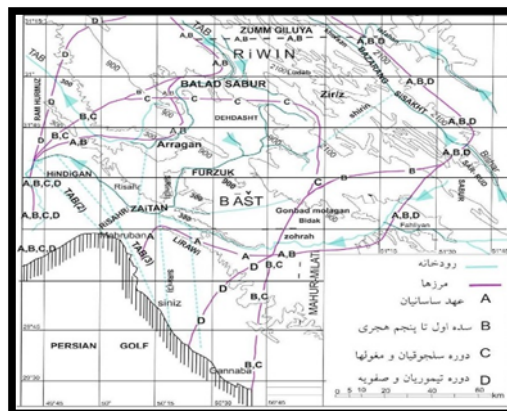
پیشینه پژوهش

مناطق مختلف کوره ارجان در جنوب غربی ایران به دلیل قرار گرفتن در گستره شکل‌گیری تمدن ایلام، هخامنشی، الیماهی در دوره اشکانی و سپس ساسانی از جایگاه خاصی در مطالعات باستان‌شناسی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی سوق‌الجیشی این کوره، که بر مسیر ارتباطی شوش به تخت جمشید و مناطق مختلف بین‌النهرین و عربستان از راه خشکی به ایران طی دوران ساسانی و اسلامی بوده است باعث شده تا عمده موضوعات پژوهشی در ارتباط با شواهد باستان‌شناختی مرتبط با راههای ارتباطی و تأسیسات عام‌المنفعه مرتبط با آن مانند پل‌ها، کاروانسراها و قلاع دیده‌بانی، که عمدتاً در دشت قرار دارند، متمرکز گردد. هاینس گابو به نخستین پژوهشگری است که افزون بر آن که مناطق مختلف این کوره، به خصوص در استان کهگیلویه و بویراحمد را مورد بررسی باستان‌شناختی قرار داد، به ذکر اطلاعات مختصری از تعدادی قلاع که در متون تاریخی از آنها یاد شده، اکتفا نموده است (گابو، ۱۳۵۹). مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در محدوده ارجان و کوهپایه‌های شمالی آن شامل بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه‌ی منصورآباد بهبهان و بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بهبهان به سرپرستی کامیار عبدی است (عبدی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۱۷-۴۲). بررسی‌های باستان‌شناسی حوضه دشت بهبهان و رودخانه زهره در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۶ م، که با تأکید بر شناسایی مکان‌های استقرار در دوران پیش از تاریخ بوده از دیگر پروژه‌های مهم این منطقه به‌شمار می‌آید (Dittman, 1984; 1986). مقدم و میری به بررسی کریدور شرقی در منطقه خوزستان پرداختند که از منطقه شوشتر تا بهبهان امتداد می‌یافت، آنها در این بررسی محوطه‌های بسیاری از هزاره چهارم تا دوران اسلامی را مورد بررسی قرار دادند؛ لیکن در این بررسی به قلاع پیرامون شهر ارجان نپرداخته‌اند (Moghaddam & Miri, 2007). پژوهشگر اسپانیایی، خاویر الوارزمون (2006)، رساله دکترای خویش را در مورد ارجان به نگارش درآورد و پس از آن در مقالات و کتبی به بررسی ارجان عصر ایلامی پرداخت (Alvarez Mon, 2003).

به طور کلی آگاهی ما از ارجان دوره اسلامی به مراتب بیشتر از دوران‌های گذشته آن یعنی ساسانی، پارتی، هخامنشی، ایلامی و حتی پیش از تاریخ است. این امر به خاطر برجای ماندن کتب تاریخی و جغرافیایی بسیاری است که از نویسندگان مسلمان برجای مانده است (یغمایی، ۱۳۸۴: ۳۳). کمبود منابع و فعالیت‌های باستان‌شناسی جهت شناسایی دوره ساسانی نه تنها در خصوص محوطه ارجان، بلکه کل شهرستان ساسانی ارجان را نیز دربر می‌گیرد. شوارتس (۱۳۸۲)، افزون بر مطالعه‌ی جغرافیای تاریخی فارس و ایران، به پژوهش در زمینه شهر و بخش ارجان در دوره ساسانی و اسلامی پرداخت. سر اورل استین از دیگر پژوهشگرانی بود که از ارجان و بهبهان بازدید نموده و در تپه‌های تل حسنک، تل محمدتقی و تل گورپا به پژوهش و گمانه‌زنی پرداخت. او در این پژوهش‌ها شواهدی از هزاره چهارم ق. م را به دست آورد و پل‌های ساسانی خیرآباد و امامزاده رضا (بکان) را نیز شناسایی نمود (Stien, 1936, 1938, 1940). نسل جدید باستان‌شناسان ایرانی با علاقه وافری به پژوهش بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارجان براساس شواهد مادی برجای مانده، پرداخته‌اند. رایگانی (۱۳۹۴) در رساله خویش به بررسی اقتصاد کشاورزی شهر و کوره ارجان پرداخت و تنها اشاره مختصری به وجود بعضی از قلاع دیده‌بانی نموده است که بر قنات‌های آبرسانی به شهر ارجان اشرف داشته‌اند. سپیدنامه (۱۴۰۰) نیز به بررسی کلی قلاع این کوره، به خصوص آنها که در ارتباط با راههای ارتباطی و کارکرد دیده‌بانی داشته‌اند پرداخته و تمرکز مطالعات او بیشتر بر قلاع اسماعیلی این کوره و دژهای دفاعی رستاق بلادشاپور در بخش کوهستانی شمال ارجان متمرکز است (شکل ۲) که در گستره رم گیلویه قرار داشته است. گاهنگاری و بررسی جامع باستان‌شناختی قلاع و استحکامات پیرامون شهر ارجان به عنوان سازمان دفاعی آن جهت شناخت جایگاه ژئوپولیتیک ناحیه مرکزی کوره ارجان و ارتباط آنها با فراز و فرودهای سیاسی- اجتماعی این شهر، از مهمترین وجوه متمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین است.



شکل ۲. سازمان دفاعی رستاق بلادشاپور در شمال شرق شهر آرجان (سپیدنامه و دیگران، ۱۴۰۱: ۴۸)



شکل ۱. گستره جغرافیای سیاسی - اداری کوره آرجان در دوران ساسانی - اسلامی (گاوبه، ۱۳۵۹)

مروری بر جغرافیای تاریخی آرجان

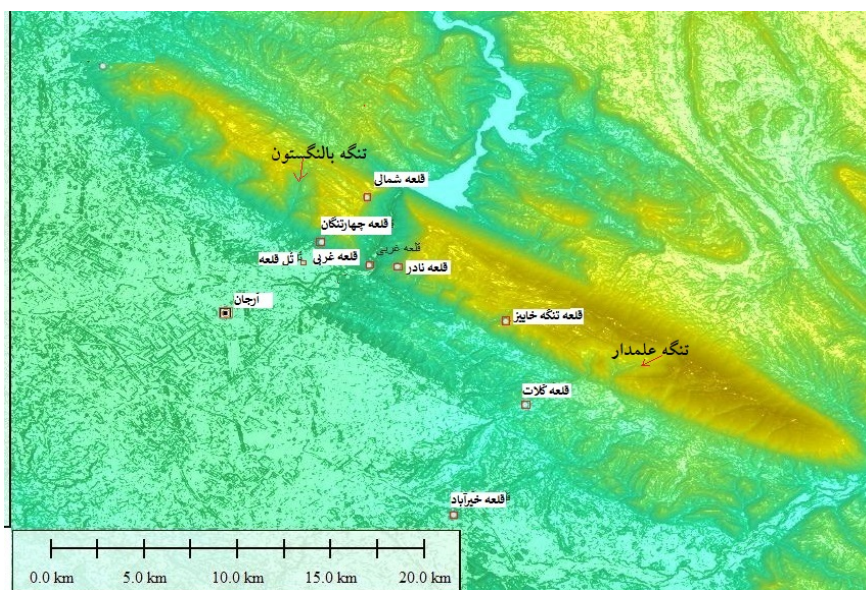
شهر آرجان مرکز کوره‌ای به همین نام در دوران ساسانی - اسلامی است که پیش از اسلام در دوره قباد اول ساسانی (۵۳۱-۴۸۸ م) پس از فتح شمال بین‌النهرین و غارت شهرهای آمد و میافارقین و کوچاندن نزدیک هشتاد هزار اسیر رومی را به منطقه‌ای در مرز فارس و خوزستان، با عنوان «قبادخوره» شکل گرفت (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۱۲؛ طبری، ۱۳۷۵: ۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۴: ۳۲۱). برخی از مورخان سده‌های نخستین اسلامی بنیان آرجان را قدیمی‌تر از زمان قباد اول ساسانی یعنی زمان بهراسف (؟) پیش از تولد زرتشت (مسعودی، ۱۳۹۰: ۶۰۴) و برخی دیگر مربوط به کوچ اسرای بین‌النهرین به این منطقه در عهد شاپور اول (ثعالبی، ۱۳۸۴، ۲۵۱) می‌دانند. جوکار قنوتی مساحت زمینی که بتواند تعداد جمعیت هشتاد هزار نفر را در خود بپذیرد یک‌هزار هکتار محاسبه نموده است (جوکارقنوتی، ۱۳۵۰: ۲) و اقتداری افزون بر شهر کنونی آرجان، گستره سکونت این اسیران را تا حدود شهر تشان فعلی در حدود ۱۵ کیلومتری شمال آرجان دانسته است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۲۸۸). بیش از سی منبع تاریخی سده‌های نخستین و میانه اسلامی از این شهر و کوره یاد نموده‌اند (رایگانی، ۱۳۹۴: ۵۳) که هر کدام به جنبه‌های مختلف سیاسی - اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته‌اند. منابع مکتوب تاریخی به صراحت آرجان یا قبادخوره را یکی از کوره‌های پنج گانه ایالت فارس می‌دانند که در مرز خوزستان قرار گرفته است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۳۸؛ قدامه‌بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۲۱).

در اواخر خلافت عمر بن خطاب، ابوموسی اشعری و عثمان بن ابی‌العاص به یاری یکدیگر آرجان را مورد تاخت و تاز قرار دادند و اهل شهر را در مقابل پرداخت جزیه و خراج زنهار دادند و در نتیجه شهر را به صلح فتح نمودند (دینوری، ۱۳۸۳: ۱۶۸؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۲: ۵۳۹؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۷۴). ابن‌اثیر یادآوری نموده که در سال ۲۳ ه. ق عثمان بن ابی‌العاص به اتفاق ابوموسی اشعری شهرهای شیراز، آرجان، سینیز و توج را فتح نمودند و بر آنها خراج مقرر نمودند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۹: ۶۵). در سال ۲۹۷ ه. ق علی بن لیث صفاری به فارس لشکر کشی نموده و سبکری (از فرماندهان و دستیاران مقتدر خلیفه عباسی) را از آنجا راند. در این سال خلیفه مونس خادم را به کمک وی فرستاد و آنها در شهر آرجان تجمع نموده و علی بن لیث بر آنها یورش برد (همان، ۱۱۴). پس از این واقعه، در اوایل سده چهارم ه. ق، آل‌بویه در سال‌های ۳۲۱-۳۲۲ ه. ق آرجان را فتح نمودند و تا سال ۴۴۷ ه. ق کماکان بر این شهر فرمانروایی نمودند (گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۰۲). دوران اوج رونق و شکوفایی کوره آرجان مربوط به حاکمیت آل‌بویه بر این منطقه است که از جایگاه اقتصادی و بازرگانی ویژه‌ای برخوردار بود (گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۰۲). لیکن در سال‌های پایانی آل‌بویه، آتش جنگ‌های داخلی میان برادران اباکالیجار موجب انقراض سلسله دیلمیان گردید. گفته‌های ناصر خسرو حاکی از ناامنی راهها در این دوران است که قصد مسافرت از مهربوبان به آرجان را داشته است (ناصرخسرو، ۱۳۸۱: ۱۶۳). در نهایت سلسله دیالمه جای خود را به سلجوقیان داد. در زمان حکومت سلجوقیان، فرقه اسماعیلیه

در ناحیه ارجان قدرت گرفته و برای مدتی شهر ارجان را به تصرف خویش درآوردند و باعث ناامنی راهها و بسیاری از تاسیسات و آبادانی حاصل از کشاورزی رونق یافته آن شدند (گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۰۲؛ همدانی، ۱۳۸۷: ۱۲۱؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۸۵).

یافته‌های پژوهش

شهر ارجان از مهمترین مراکز سیاسی- اداری جنوب غربی ایران در دوران ساسانی- سلجوقی بوده که سازمان دفاعی آن متشکل از قلاعی بوده است که در مرز شمالی و شرقی این شهر با ناحیه کوهستانی کوه گیلویه قرار گرفته‌اند. این قلاع به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: تل قلعه، قلعه دختر چهارتنگان، سه قلعه بر فراز تنگه تکاب که تحت عنوان قلاع دختر شمالی و غربی و قلعه نادر از آنها نام برده می‌شود، قلعه دختر تنگه خاییز، قلعه کلات دره لیر و قلعه خیرآباد (شکل‌های ۳ و ۴). از میان این قلاع سه بنای تل قلعه، قلعه کلات دره لیر و قلعه خیرآباد بر روی تپه ماهورهای پیرامونی شهر، قلعه دختر تنگه خاییز در دورن تنگه و قلاع تنگه تکاب و قلعه دختر چهارتنگان بر روی ارتفاعات مشرف بر دشت قرار گرفته‌اند^{۳۴}. قلعه‌های شناسایی شده در ارتفاعی بین ۳۸۶ تا ۱۰۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد واقع شده و از چند جهت به شیب‌های تند منتهی می‌گردند (شکل ۵). این قلعه‌های به فاصله‌ی تقریبی بین یک تا شش کیلومتر از هسته‌ی مرکزی شهر ارجان ایجاد شده و دارای پلان‌های مختلفی بوده‌اند؛ پلان تل قلعه به شکل مربع، قلعه غربی تنگ تکاب به شکل مستطیل و پلان قلعه دختر چهار تنگان و قلعه خیرآباد گهر به شکل چند ضلعی بوده و وضعیت پلان قلعه‌های دیگر نامشخص است. در برخی قلعه‌ها مانند قلعه‌ی نادر و قلعه‌ی دختر تنگ خاییز بقایای حصار و برج‌های دیده‌بانی مشاهده شده است. به استثنای قلعه دختر چهارتنگان، قلاع شمالی و غربی تنگه تکاب، که با مصالح سنگی به صورت خشکه چین از سنگ‌های زبره‌تراش و بدون ملات ساخته شده‌اند، مصالح بقیه قلاع را لاشه سنگ و ملات گچ تشکیل داده است (جدول ۱۱). تنها در بنای قلعه دختر چهارتنگان تکه‌های آجر به ضخامت ۱۰ سانتی‌متر یافت شد که احتمالاً در بنای آن به صورت محدود از این نوع مصالح در بخش‌هایی از قلعه استفاده شده است. بقایای معماری در برخی از قلعه‌ها مانند قلعه دختر تنگ خاییز به شکل بقایای اتاق‌ها و راهروها قابل مشاهده است که بین ۳ تا ۴ متر درازا و بین ۱/۵۰ تا ۶ متر پهنا دارند که با دیواری به ضخامت حدود ۱/۵۰ متر محافظت می‌شده‌اند. این اتاق‌ها که احتمالاً برخی از آنها به عنوان انبار آذوقه و یا محل اسکان سربازان بوده، با تیغه‌هایی به ضخامت ۳۰ تا ۵۰ سانتی‌متر از یکدیگر جدا شده‌اند. در این قلعه در بخشی از دیواری صخره‌ی موجود، بقایای حفره‌هایی به چشم می‌خورد که احتمالاً از آنها برای قرار دادن تیرک‌های چوبی و پوشاندن سقف استفاده می‌شده است (شکل ۴، ت).

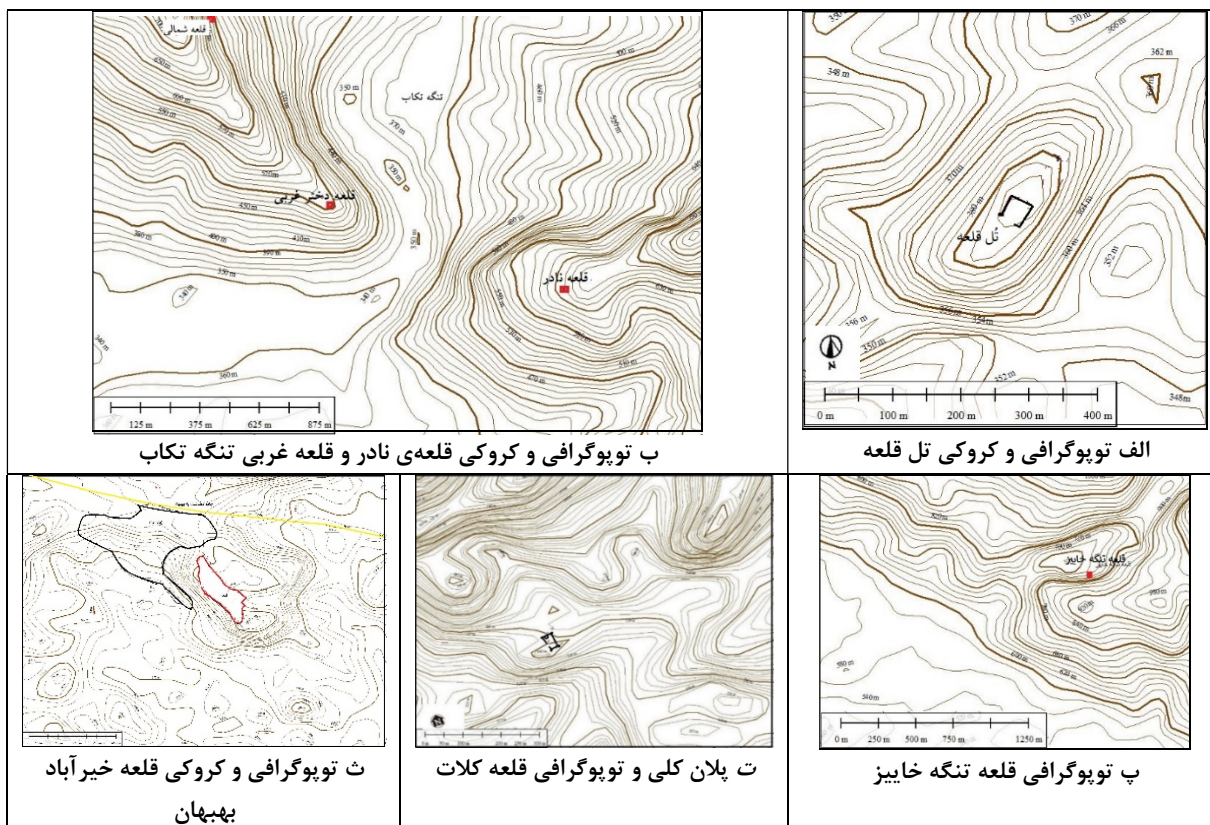


شکل ۳. نقشه‌ی منطقه و موقعیت قلاع و تنگه‌های شمال و شرق شهر ارجان (ماخذ: نگارندگان)

۴. قلعه‌ی کلات در بررسی‌های باستان‌شناسی دشت بهبهان به سرپرستی کامیار عبدی (عبدی، ۱۳۸۷: ۱۶۲) و همچنین در رساله دکتری حسین سپیدنامه (سپیدنامه، ۱۴۰۰: ۲۸۹-۲۹۲) نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

 پ دورنمای قلعه‌ی نادر - دید از غرب	 ب دورنمای قلعه دختر چهار تنگان - دید از غرب	 الف دورنمای تُل قلعه - دید از جنوب غرب
 ج دورنمای قلعه خیرآباد بهبهان؛ دید از شرق	 ث دور نمای قلعه کلات دره لیر؛ دید از جنوب	 ت بقایای آثار معماری قلعه تنگه خاییز
 خ بقایای برج دیدبانی قلعه‌ی نادر	 ح بخشی از بقایای معماری قلعه چهار تنگان	 چ بخشی از بقایای آثار معماری تل قلعه
 ر بقایای معماری قلعه خیرآباد بهبهان	 ذ بقایای یکی از برجهای قلعه کلات دره لیر	 د بقایای حفره‌های فرارگیری تیرک‌های پوشش سقف قلعه تنگه خاییز

شکل ۳. دورنمای قلاع شمال و شرق شهر ارجان (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۴. توپوگرافی و نقشه کلی قلاع پیرامونی شهر ارجان (ماخذ: نگارندگان)

جدول ۱. مشخصات کلی قلاع پیرامونی شهر ارجان

ردیف	نام قلعه	ارتفاع از سطح دریا	مساحت (متر مربع)	ارتفاع از محیط پیرامون (متر)	مصلح	منابع آبی	موقعیت جغرافیایی	دوره
۱	کلات	۵۷۰	۳۸۵	۳۵	قلوه سنگ با ملات گچ	چشمه (؟)	۷۰۰ متری شمال شرق روستای دره لیر	اوایل اسلام
۲	تنگه خاییز	۷۰۲	۲۲۵۰۰	۶۰	لاشه و تخته سنگ با ملاط گچ	چشمه	۱۰ کیلومتری شرق ارجان	ساسانی - اوایل اسلام
۳	قلعه نادر	۸۱۵	۳۰۰۰	۳۵۰	لاشه سنگ با ملات گچ	آب انبار	۵ کیلومتری شمال شرق شهر ارجان	ساسانی - سلجوقی
۴	قلعه شمالی	۱۰۰۰	۳۳۶	۶۰۰	لاشه و تخته سنگ با ملاط گچ	نامشخص	۷ کیلومتری شمال شرق ارجان	ساسانی
۵	قلعه غربی	۵۰۰	۲۹۰	۱۰۰	لاشه با ملاط گچ	رودخانه (؟)	۴ کیلومتری شمال شهر ارجان	ساسانی
۶	چهار تنگان	۵۳۰	۸۷۵	۱۰۰	لاشه سنگ ملاط گچ، آجر	نامشخص	۳ کیلومتری شمال کارخانه‌ی سیمان بهبهان	ساسانی
۷	قلعه خیر آباد	۴۰۵	۱۲۵۰۰	۲۵	لاشه سنگ و تخته سنگ با ملات گچ	آب انبار	۱۰ کیلومتری شرق بهبهان	ساسانی - سلجوقی

سازمان دفاعی أرجان

چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی أرجان و کوهپایه‌های شمالی آن

شهر أرجان در جنوب غربی ایران حفاصل دو ناحیه ساحلی خلیج فارس و رشته ارتفاعات زاگرس جنوبی قرار دارد. در حالی که رشته ارتفاعات تپه ماهوری شمال خلیج فارس از ارتفاع ۱۰۰ متری آغاز می‌شوند در أرجان به ۳۰۰ متر از سطح دریا می‌رسد و ناگهان ارتفاعات در حدود ۵ کیلومتری شمال و شرق أرجان به ۱۰۰۰ متر از سطح دریا می‌رسد. در فاصله ۵ کیلومتری شمال شرق این شهر، رودخانه مارون جریان آبی خروشان از مناطق کوهستانی أرجان سرچشمه گرفته‌اند وارد دشت أرجان شده و در نهایت به خلیج فارس می‌پیوندند. جریان آبی دیگر موسوم به رودخانه خیرآباد نیز از منتهی‌الیه جنوب شرق کوه خاییز از بخش جنوبی أرجان گذشته وارد دشت زیدون و در نهایت در ساحل خلیج فارس در محل شهر هندیجان کنونی به خلیج فارس می‌ریزد. آن طور که شواهد باستان‌شناختی و منابع تاریخی دوران اسلامی نشان می‌دهد این دو جریان آبی قدرتمند در طول تاریخ حیات أرجان نقش مهمی در توسعه و آبادانی دشت حاصلخیز أرجان و نواحی جنوبی کوره أرجان داشته‌اند. مسئله مهم در این پژوهش تاثیری است که این عارضه‌های طبیعی نه تنها بر اقتصاد و معیشت ساکنان شهر و کوره أرجان، بلکه در امنیت شهر و شکل‌گیری ساختارهای دفاعی مرتبط با آن داشته‌اند. با توجه به بررسی‌های میدانی نگارندگان، مهمترین عوامل موثر طبیعی بر مکان‌گزینی ساخت قلاع و استحکامات شهر أرجان به عنوان سازمان دفاعی این شهر را کوه‌های شمالی و شرقی این شهر یعنی کوه خاییز و بدیل با تنگه‌های میان آنها تشکیل داده است. کوه خاییز به طول ۳۰ کیلومتر در حدود ۱۰ کیلومتری شهر بهبهان قرار دارد (شکل ۳). رودخانه خیرآباد این کوه را از کوه دوک و رودخانه مارون در محل تنگ تکاب آن را از کوه بدیل جدا می‌سازد. در جبهه غربی این کوه در سمت بهبهان، دره‌های تنگ و عمیق وجود دارد که چشمه‌های آب در درون برخی از آنها مانند تنگه خاییز و تنگ بیستم جریان دارد. در دوره ساسانی و اسلامی در ورودی این تنگه‌ها تعدادی آسیاب ساخته شده که سهم مهمی در توسعه صنایع تبدیلی مانند آسیاب نمودن دانه غلات و احتمالاً روغن‌گیری از دانه‌های کنجد، کتان و زیتون در ناحیه أرجان داشته است (رایگانی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۲۰). کوه بدیل نیز به طول تقریبی پنج کیلومتر، در محل رودخانه مارون و تنگ تکاب از کوه خاییز جدا می‌شود. مهمترین تنگه‌ای که در این کوه دیده می‌شود تنگ بالنگستان بوده که یکی از راههای دسترسی به بلندای تنگ تکاب و قلعه شمالی تنگه تکاب است. در بخش شمالی أرجان بخصوص در کوه‌گیلویه حدود ۲۰ تنگه وجود دارد که بیشتر آنها همانند تنگ تکاب و تنگ بالنگستون دارای موقعیت‌های سوق‌الجیشی هستند (شکل ۳). مهمترین تنگه شمال شهر أرجان، تنگه تکاب است که دو سوی آن را کوه خاییز و کوه بدیل و ارتفاعات و پرتگاههای آن‌ها نگرانی کرده و در میان آن رودخانه خروشان مارون قرار گرفته است. موقعیت استراتژیک این تنگه سبب شده تا برخی از پژوهشگران محل درگیری اسکندر مقدونی و آریوبرزن هخامنشی را در محل دربند پارس در این محل بدانند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۳۲۸). در سوی جنوب‌شرقی این تنگه در میان کوه خاییز تنگه‌های متعددی وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: تنگ نادرگ (مجاور تنگه تکاب)، تنگه نیده، تنگه بیستم، تنگه خاییز و تنگه علمدار. قرارگیری قلاع متعددی که بر فراز تنگه تکاب، تنگه خاییز، چهارتنگان در شرق شهر أرجان از دوره ساسانی تا سلجوقی وجود دارد، متأثر از همین تنگه‌ها بخصوص در بخش شمالی أرجان بوده است که بیشتر در سرحد ناحیه کوهستانی کوه‌گیلویه با دشت أرجان قرار دارند.

قلاع و استحکامات شمال و شرق شهر

اگر از گوشه شمال غربی به جنوب شرقی شهر أرجان نیم دایره‌ای ترسیم کنیم به ترتیب قلاع متعددی بر روی این کمربند واقع شده‌اند که عبارتند از: تُل قلعه، قلعه دختر چهارتنگان، سه قلعه در دو سوی تنگه تکاب؛ که دو قلعه بر فراز ضلع غربی و یک قلعه در ضلع جنوبی آن واقع شده‌است. قلعه ضلع جنوبی با نام قلعه نادرگ از آن یاد می‌شود. قلعه دختر تنگه خاییز، قلعه کلات و قلعه خیرآباد. این قلاع که هر کدام از لحاظ پلان، موقعیت قرارگیری و مکان‌گزینی با یکدیگر متفاوت هستند. قلاع یاد شده با وجود آنکه فرم یکسان و حتی شیوه دسترسی به منابع حیاتی چون آب ندارند، لیکن شواهد باستان‌شناختی نشان می‌دهد در ارتباط با شکل‌گیری شهر أرجان و تاریخ حیات و سازمان دفاعی این شهر ساخته شده‌اند. شناخت این آثار که کنترل پهنه جغرافیایی دشت و شهر أرجان را بر عهده داشته‌اند به ما کمک می‌کند تا نقش این قلاع و استحکامات را در توسعه

پایدار تقریباً ششصد ساله حیات شهر و کوره آرجان، که نقش و سهم مهمی در اقتصاد دولت ساسانی و دولت‌های مختلفی که در صدر اسلام تا پایان دوره سلجوقی بر ایران حکومت کرده‌اند را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. یافته‌های باستان‌شناختی سطحی قلاع یاد شده شامل سفال و معماری است که ابتدا به منظور شناخت سیر تکوین و فروپاشی سازمان قلاع یاد شده به توصیف و تاریخگذاری سفالهای قلاع یاد شده و سپس به توصیف مشخصات کلی این قلاع و استحکامات شامل وسعت و مساحت، نوع پلان، مصالح تشیل دهنده، شیوه دسترسی به منابع آب و رعایت اصول دفاع غیرعامل از منظر توجه به مولفه‌های طبیعی پرداخته خواهد شد.

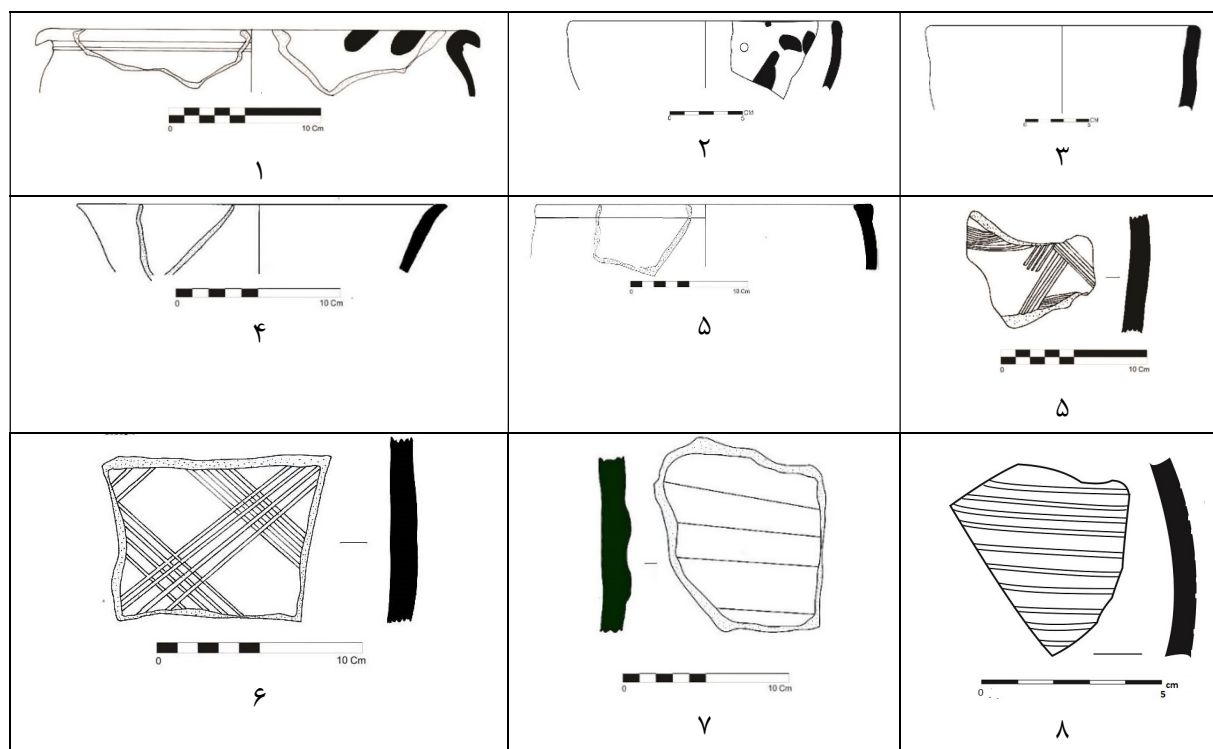
روند تاریخی شکل‌گیری قلاع شهر آرجان

لازمه‌ی هر گونه تحلیل در ارتباط با سازمان دفاعی شهرها و مراکز سیاسی-اداری یک منطقه، مطالعه‌ی سیر تحول شکل‌گیری عناصر مرتبط با آن مانند قلاع و استحکامات آن است که با بررسی شواهد باستان‌شناختی قابل تاریخگذاری مانند سفال امکان‌پذیر است. همانندی و مقایسه سفال قلاع و استحکامات پیرامونی شهر آرجان با دیگر محوطه‌های باستانی مناطق همجوار مانند فارس و خوزستان و مناطق دیگر ایران، نشان می‌دهد که قلاع و استحکامات پیرامونی شهر آرجان از دوران اشکانی-ساسانی تا پایان دوره سلجوقی شکل گرفته‌اند. گاو به (۱۳۵۹) این بازه زمانی را به دو دوره A (دوران اشکانی-ساسانی) و B (سده‌های نخستین اسلامی تا دوره سلجوقی) تقسیم بندی نموده و آثار باستانی دوره سلجوقی-ایلخانی را تحت عنوان دوره C مورد مطالعه قرار داده است. مهمترین گونه‌های سفالی شاخص قابل تاریخگذاری در قلاع مورد مطالعه عبارتند از:

سفال بدون لعاب با نوار برجسته: نمونه سفال‌های این گونه‌ی سفالی تنها از دو قلعه غربی تنگه تکاب و قلعه دختر چهارتنگان یافت شد (شکل ۶، شماره‌های ۷ و ۸). نمونه‌های قلعه چهارتنگان دارای خمیره‌ای به رنگ‌های نارنجی، نخودی و خاکستری هستند که از ماسه‌ی نرم و دانه‌های سفید و دو نمونه از مواد گیاهی به عنوان شاموت آنها استفاده شده است. حرارت برای پخت برخی از این سفال‌ها کافی بوده و برخی دیگر از پخت ناکافی برخوردارند. همه‌ی سفال‌ها با استفاده از چرخ سفالگری ساخته شده و فاقد پوشش هستند. اکثر نمونه‌های جمع‌آوری شده ساده بوده و گونه‌های منقوش دارای نقوشی به شکل نوارهای برجسته بر بدنه‌ی خارجی ظروف هستند. شکل سفال‌ها به صورت کاسه با لبه‌ی تخت به خارج برگشته و احتمالاً خمره است (شکل ۶، شماره‌های ۵-۳). این گونه‌ی سفالی در قلعه دختر چهارتنگان، با توجه به مقایسه با نمونه‌های مشابه (اسدی، ۱۳۹۲: ۷۵؛ N73- TA04/2؛ اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۹: ۱۸۵/عکس ۴-۵۷)، قابل تاریخگذاری به دوره ساسانی است. همچنین دو قطعه از این گونه‌ی سفالی دارای خمیره قهوه‌ای با آمیزه شن‌ریز از قلعه غربی تنگ تکاب یافت شده است که لبه با نقش کنده و بدنه با نقش افزوده طنابی تزئین گردیده‌اند. این دو قطعه با توجه به نمونه‌های مشابه (علیزاده، ۱۳۹۴: عکس ۱۴۹، ۵۳۴-۵۳۵؛ R-S؛ Priestman and Simpson, 2003: 25, fig.1)، قابل تاریخگذاری به اواخر دوره ساسانی است. با توجه به اینکه هیچ گونه‌ی سفالی از دوران اسلامی بر سطح این دو قلعه دیده نشد می‌توان احتمال داد که این دو قلعه در اوایل دوره اسلامی متروک گردیده و هیچ گونه نقشی در سازمان دفاعی شهر آرجان در دوران اسلامی نداشته‌اند.

سفال بدون لعاب نقاشی شده به رنگ قهوه‌ای: این گونه سفالی دارای خمیره‌ای به رنگ نارنجی و قهوه‌ای روشن قرمز و یا کرم رنگ است که آمیزه‌ی آنها را ماسه، مواد گیاهی و دانه‌های سفیدرنگ تشکیل داده است (شکل ۶، شماره‌های ۱ و ۲). بیشتر سفال‌ها دارای پوشش هستند؛ بویژه پوشش‌های کرم رنگ بر روی ظروفی که دارای خمیره‌ای با رنگ نارنجی هستند. از لحاظ تزئینی بیشتر سفال‌ها منقوش به رنگ قرمز تیره تا قهوه‌ای هستند. به طور مشخص اکثر نقوش به شکل نوارهای پهن و خطوط موجی نامنظم هستند که به شیوه‌ای عجولانه و با بی دقتی کشیده شده‌اند. در بین این نقوش‌ها، هاشورهای متقاطع، بیضی‌ها، مثلث‌ها و همچنین فرم‌هایی با طرح گل‌های شاخه‌دار نیز رایج است. سفال بدون لعاب منقوش شبه پیش از تاریخی، قابل تاریخگذاری به سده‌های سوم تا ششم ه. ق هستند (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۸۴؛ Sumner & whitcomb, 1999). نمونه‌های این گونه‌ی سفالی از قلاع نادر تنگه تکاب، قلعه کلات و قلعه خیرآباد دیده شد که نشان‌دهنده همزمانی آنها در تشکیل کمربند دفاعی شمال و شرق آرجان طی دوران اسلامی یعنی قرون سوم تا ششم هجری است.

سفال بدون لعاب با نقش کنده: گونه‌های منقوش جمع‌آوری شده از این گونه‌ی سفالی با خمیره‌ی نخودی و نارنجی هستند که آمیزه‌ی آنها را ماسه، مواد گیاهی و دانه‌های سفیدرنگ تشکیل داده است (شکل ۶، شماره‌های ۵ و ۶). این گونه سفالی با نقوشی به شکل کنده و به صورت خطوط کنده‌ی افقی و اریب، و خطوط کنده‌ی اریب متقاطع و نوارهای افقی در زیر لبه و بر روی بدنه‌ی ظروف قابل انتساب به سده‌های چهارم تا هفتم ه. ق هستند (Allan & Roberts, 2000:190; Fehervari, 1987:160). این گونه‌ی سفالی تنها در دو قلعه نادر در گوشه‌ی جنوبی تنگه تکاب و قلعه خیرآباد دیده شد که نشان می‌دهد این دو نقش مهمی در تامین امنیت شمال و شرق شهر آرجان تا پایان فروپاشی ساسانی این شهر در اواسط سده ششم ه. ق ایفا نموده‌اند.



شکل ۵. گونه‌های سفالی یافت شده از قلاع پیرامونی شهر آرجان (مأخذ: نگارندگان)

مکان‌گزینی و میدان دید قلاع

مکان‌گزینی و میدان دید قلاع دو شاخصه مهم مرتبط با یکدیگر برای ساخت قلاع و استحکامات دفاعی است زیرا هدف از ساختارهای دفاعی، قرارگیری آنها در موقعیتی دیده‌بانی و در مواقع لزوم دفاع و سکونت در زمان هجوم دشمن است. بنابراین، مکان ساخت قلعه باید به گونه‌ای انتخاب گردد که بتوان با مرکز فرماندهی یا قلاع و برجهای دیده‌بانی همجوار ارتباط برقرار نمود. بسیاری از قلاع پیرامونی شهر آرجان، که در ضلع شمال شرقی این شهر قرار گرفته‌اند میدان دید مناسبی نه تنها بر دشت و شهر آرجان، بلکه بر تنگه‌هایی داشته‌اند که گذرگاه عمده ارتباط مناطق کوهستانی کوه‌گیلویه با شهر آرجان بوده‌اند. این قلاع به ترتیب از شمال غربی به شمال شرقی عبارتند از قلعه دختر چهارتنگان، قلاع شمالی، غربی و جنوبی تنگه تکاب، قلعه تنگه خاییز و قلعه کلات (شکل ۳). به نظر می‌رسد قلعه نادر، که از نظر موقعیت قرارگیری در ارتفاع بالاتری قرار دارد و از دید مناسبی بر قلاع مشرف بر قلاع شمالی و غربی تنگه تکاب و تُل قلعه برخوردار است با قلاع چهار تنگان نیز ارتباط برقرار می‌نموده است. قلعه نادر در موقعیتی قرار گرفته که افزون بر اشراف کامل بر دشت آرجان، تنگ‌تکاب را نیز به طور کامل دیدبانی می‌کند. همچنین قلعه کلات اشراف دید کاملی بر تپه ماهورهای پیرامونی و همچنین گذرگاه مهم تنگه علمدار در حدود شش کیلومتری شرق تنگه خاییز دارد. بنابراین در موقعیت استراتژیکی جهت دیده‌بانی نواحی پیرامونی شرق آرجان داشته است. موقعیت قلعه خیرآباد نیز به گونه‌ای است که از شهر بهبهان تا دره خیرآباد و کوه خاییز تا کوه مشرف بر گرمز در جنوب در دید ساکنان قلعه بوده است. برخی از پژوهشگران، تمرکز زیاد قلاع را در این بخش نشان‌دهنده کشمکش‌های مداوم

مدعیان قدرت و تهدیدات کوچ‌نشینانی دانسته‌اند که در ناحیه کوهستانی شمال و شرق کوره ارجان و رامهرمز در خوزستان مسکن داشته‌اند (سپیدنامه و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۱). تنها قلعه‌ای که به فاصله‌ی زیادی از این شبکه قلاع دارد قلعه خیرآباد است که به واسطه وضعیت توپوگرافیک تپه‌ماهوری و ارتفاع نه چندان زیاد زمین‌های پیرامونی آن، نه تنها بر راه ارتباطی شیراز به ارجان، بلکه بر آمد و رفت‌های بنادر جنوبی از مسیر روستای گرمز امروزی و قلاع دیده‌بانی آن به ارجان نیز اشراف نسبی داشته است. این شیوه مکان‌گزینی قلاع بر گرد شهرهای مهم در رستاق بلادشاپور به مرکزیت شهر ددهشت نیز دیده شده است به طوری که چهار قلعه و دژ بسیار مستحکم بر فراز ارتفاعات پیرامونی شهر قرار داشته‌اند و کنترل کامل امنیت منطقه و راههای منتهی به این رستاق را بر عهده داشته‌اند (سپیدنامه و دیگران، ۱۴۰۱). در شهرهای جنوبی‌تر کوره ارجان نیز وجود قلاع دفاعی و دیده‌بانی چهارگانه با نام «سوریانچ»، «لگه لوگه»، «قلعه کهنه» و «قلعه قورخانه» بر گرد شهر ساسانی- اوایل اسلام گزارش شده است (اسماعیلی جلودار، ۱۳۹۰: ۳۰۶-۳۰۲).

دسترسی به منابع آب

دسترسی به منابع آب برای قلعه‌نشینان، به خصوص برای قلاعی که کارکرد دفاعی دارند، امری حیاتی است. مهمترین ساز و کار تامین آب برای ساکنان شهر ارجان و حتی کشاورزی در این دشت، سامانه قناتی بوده است که از مدخل تنگه تکاب از آب رودخانه مارون، که در منابع مکتوب تاریخی از آن به رود طاب یاد شده است (مقدسی، ۱۳۶۱؛ اصطخری، ۲۰۰۴؛ ادریسی، ۱۳۸۸) به سوی ارجان و زمینهای کشاورزی به کار گرفته شده است (Stien, 1938: 75-86). این قنات‌ها پس از فروپاشی کوره ارجان در دوره سلجوقی، احتمالاً پس از شکل‌گیری شهر بهبهان، مجدداً در دوران صفویه و قاجار مرمت گردید و موجب شکل‌گیری آبادانی روستای منصوریه نیز گردید (اقتداری، ۱۳۷۵: ۲۲۴؛ افشار سیستانی، ۱۳۷۳: ۳۹۲). این سامانه قنات نقشی در تامین آب قلعه نشینان نداشته است زیرا این قلاع بر روی ارتفاعات مشرف بر دشت ساخته شده‌اند که حدود ۵۰ تا ۱۰۰ متر با دشت اختلاف ارتفاع دارند و امکان هدایت آب به درون قلعه‌ها وجود نداشته است. مهمترین منابع آب جاری نزدیک به استحکامات پیرامونی شهر، تنها به فاصله حدود ۱۰۰ متری قلعه تنگه خابیز دیده می‌شود که احتمالاً در زمان هجوم دشمن، با تونلی که از قلعه به این آب می‌رسیده است نه تنها به عنوان یکی از راههای گریز احتمالی، بلکه جهت دسترسی به آب چشمه این تنگه کاربرد داشته است. دو قلعه چهارتنگان کوه بدیل و قلعه غربی تنگه تکاب دارای هیچ گونه ساختار معماری جهت تامین آب نیستند و احتمالاً آب این قلاع دیده‌بانی در مشک یا کوزه‌های آب تهیه می‌گردید. لیکن منبع ذخیره و تامین آب در قلعه جنوبی تنگه تکاب و قلعه خیرآباد را آب انبار تشکیل داده است. در ضلع جنوب‌غربی قلعه نادر بقایای آب‌انباری به چشم می‌خورد که در حدود ۴/۴۵ سانتیمتر طول، ۳/۳۰ سانتیمتر عرض و ۱/۴۰ سانتیمتر عمق دارد، ضخامت دیوارهای این آب‌انبار در حدود ۶۰ سانتیمتر است و سطح داخل آن با لایه‌ای از ساروج اندود شده است (شکل ۷). همچنین با توجه به شواهد باقی مانده، منبع تامین آب قلعه خیرآباد آب‌انباری به طول حداقل شش متر و عرض سه متر است که در حدود ۵۰ متری شرق قلعه در ارتفاع ۳۸۰ متری برجای مانده است (شکل ۸).



شکل ۶. آب انبار پایین دست در جبهه شرقی قلعه خیرآباد (مأخذ نگارندگان)



شکل ۷. بقایای آب انبار قلعه‌ی نادر- دید از شمال (مأخذ نگارندگان)

پدافند غیرعامل قلعه‌های پیرامونی ارجان

پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای است که به منظور کاهش آسیب پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تاسیسات، تجهیزات در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن در صورت بروز جنگ صورت می‌گیرد. دفاع غیرعامل همان بحث پیشگیری یا «علاج واقعه قبل از وقوع» است که امروزه به منظور کاهش تلفات انسانی در مقابل فجایع و مشکلات تاکید می‌شود. دفاع غیرعامل بر دو نوع طبیعی چون استقرار بر روی ارتفاعات، موضع‌گیری پشت رودخانه‌ها و همچنین قرارگیری در مکان‌های متراکم و مصنوعی مانند ساخت و ایجاد فضاهای حفاظتی و دفاعی نظیر برج و بارو، دژ، خندق و دیگر استحکامات دفاعی است (اصغریان جدی، ۱۳۷۴: ۳۲۵). ارکان ارساسی دفاع غیرعامل شامل استتار، اختفا، پوشش، جدایی و پراکندگی از یکدیگر، فریب، مقاوم سازی و استحکامات، اعلام خبر است که با توجه به شرایط موجود و متناسب با نقش‌شان شرایط متغیری دارند (فرزاشاد، ۱۳۸۶: ۸۷). اگر چه ساخت قلعه‌ها یک عامل پدافندی برای شهر ارجان محسوب می‌شود، لیکن مراد از اصطلاح پدافند غیرعامل قلعه‌ها و استحکامات، مجموعه تدابیر جهت دفاع احتمالی تهاجم به قلعه‌ها و تصرف ناپذیری این قلعه‌ها است. مهم‌ترین اصول پدافندی رعایت شده در این قلعه‌ها جدایی و پراکندگی آنها از یکدیگر و اعلام خبر دانست. افزون بر آن که عمده قلاع پیرامونی شهر ارجان بر فراز ارتفاعات ساخته شده‌اند که احتمال دسترسی راحت را از مهاجمان سلب می‌کنند، وجود پرتگاه‌های طبیعی در سه جهت تمامی قلاع پیرامونی شهر (به استثنای تل قلعه، که به فاصلع نه چندان دوری از شهر قرار دارد) باعث شده تا ساکنان این قلاع در مواقع لزوم و تهاجمات احتمالی، نیروهای خود را در بقیه بخش‌ها برای دفاع متمرکز نمایند. قلعه دختر تنگه خاییز در موقعیتی از تنگه ساخته شده که از یک سوی به کمرکش کوه تکیه دارد و هیچ گونه دسترسی به آن ممکن نیست و از دیگر سو، به راحتی می‌توانستند هر نیرویی را که قصد گذر از تنگه یا تهاجم به قلعه را داشته باشند مورد آماج تیر خویش قرار دهند. در بخش‌هایی از محوطه قلعه تنگه خاییز بقایای تونل زیرزمینی به طول ۵۰ متر، عرض ۱/۵ متر و ارتفاع تقریبی ۲ متر وجود دارد که با استفاده از دیوارهای سنگ‌چین و تخته‌سنگ‌های بزرگ برای پوشش روی آن ساخته شده است (شکل ۹). این تونل زیرزمینی از ریشه کوه تا عمق دره امتداد دارد، با سنگ‌های طبیعی بزرگ و سنگ‌های بزرگتر پرداخت نشده بدون ملات بر روی هم چیده شده‌اند. ساکنان قلعه تنگه خاییز در مواقع اضطراری از طریق این تونل زیرزمینی، می‌توانستند در خروج نیروهای قلعه هنگام حمله دشمن استفاده نمایند و هم از چشمه آب تنگه بهره‌برداری نمایند.



شکل ۷. بقایای تونل زیرزمینی قلعه خاییز - دید از غرب (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

شهر ارجان، که هسته‌ی اصلی عناصر کالبدی آن در حدود پنج کیلومتری جنوب غربی تنگه تکاب قرار دارد و شواهد باستان‌شناختی آن را بناهای مدفون در دل خاک به صورت تپه‌های برجسته تشکیل می‌دهد، بقایای آثار مرتبط با آن تا ورودی تنگه تکاب و بر روی ارتفاعات نیز قابل مشاهده است. مطالعات نشان داد قلاع دفاعی شهر ارجان در بخش شمالی تا شرقی شهر متمرکز بوده است که از این میان سه قلعه در بخش غربی تنگه تکاب و چهار قلعه در بخش شرقی این تنگه قرار داشته‌اند. چشم‌انداز طبیعی منطقه تاثیر زیادی بر مکان‌گزینی ساخت قلعه‌ها داشته است. بخش شمال و شرق شهر را رشته کوه‌های خاییز و بدیل در بر گرفته است که نه تنها به عنوان دیواری دفاعی برای این بخش از سازمان دفاعی شهر بوده است بلکه این ارتفاعات به دلیل اشراف بر دشت ارجان و تپه‌ماهورهای ضلع غربی و جنوبی شهر بهترین نقاط را برای ساخت قلعه‌ها ایفا نموده‌اند. البته اشراف دید بر دشت تنها ملاک برای مکان‌گزینی قلعه‌ها نبوده است بلکه قلعه‌ها دقیقاً بر فراز یا درون تنگه‌هایی واقع شده‌اند که امکان هر گونه تهاجم را از ناحیه کوهستانی را در مواقع لازم رصد نموده و جهت دفاع ساکنان شهر، به اطلاع حاکم ارجان و نیروهای تحت امر او می‌رساندند. با این وجود، منابع در خصوص تهاجمات مختلفی که مخصوصاً در اوایل اسلام و در دوره سلجوقی به شهر شده است، سکوت نموده‌اند و از شیوه دفاع یا تهاجم به این شهر هیچ گونه آگاهی از منابع تاریخی حاصل نمی‌شود. با توجه به وسعت، موقعیت و دسترسی سخت به قلعه نادر در ضلع جنوبی تنگ تکاب، این قلعه احتمالاً به عنوان مقر فرماندهی برای قلاع دیده‌بانی عمل می‌کرده است.

به استثنای قلاعی که بر فراز تنگه تکاب قرار دارند، فاصله قلاع از یکدیگر یعنی با قلعه بعد از خود حدود ۵ تا ۶ کیلومتر بوده است که نشان‌دهنده چینش مناسب قلعه از لحاظ بعد مسافت نسبت به یکدیگر است. به استثنای قلعه‌ی موسوم به «تُل قلعه» که در فاصله‌ی حدود یک کیلومتری شمال شهر قرار دارد، فاصله‌ی قلاع دیگر تا شهر نیز ۷ تا ۱۲ کیلومتر متغیر است. مهمترین دلیل این امر عبارتند: نخست اینکه مناطق شمال و شرق را تپه‌ماهورها و رشته‌کوه‌های بلندی تشکیل داده که دارای تنگه‌های متعددی جهت نفوذ تهاجمات مانند اعراب در صدر اسلام و اسماعیلیان در دوره اسلامی بوده و دوم راههای ارتباطی عمدتاً از بخش شرقی و از مسیر امروزی جاده شیراز به بهبهان و از سمت غرب از راه ارجان به رامهرمز و اهواز برقرار بوده است. این راهها به عنوان زیرساخت‌های اقتصادی ارجان جهت تجارت با مناطق دیگر واجد اهمیت فراوانی بوده‌اند. به همین دلیل تمرکز قلاع در این بخش‌ها بیشتر از بخش غربی و جنوبی شهر بوده است هر چند نمی‌توان نقش راههای منتهی به دریا را نادیده انگاشت. بنیان تمامی این قلاع به دوره ساسانی بر می‌گردد که احتمالاً در اوایل اسلام متروک گردیده‌اند. تنها سه قلعه جنوبی تنگه‌تکاب، قلعه کلات و قلعه خیرآباد در دوره اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بنابراین، یکی از عوامل ویرانی شهر ارجان در دوره اسلامی عدم بازسازی و توجه به تاثیر این قلاع متروکه در امنیت و سازمان دفاعی شهر بوده است که سرانجام نه تنها منجر به فروپاشی سازمان اداری-سیاسی این شهر، بلکه کل کوره ارجان انجامید. تمامی این قلعه‌ها در اضلاع شمالی و شرقی شهر قرار گرفته‌اند و احتمالاً دیده‌بانی و دفاع از سمت غرب و جنوب بر عهده‌ی مدافعان، در برجهای واقع شده در میان باروی شهر، واگذار شده بود.

سپاسگزاری

از آقای دکتر حسین سپیدنامه بخاطر راهنمایی‌ها و کمک‌های سودمندشان برای انجام این پژوهش صمیمانه قدردانی می‌گردد.

کتاب نامه

۱. اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل، ۱۳۸۶، «گزارش مقدماتی کاوش نجات‌بخشی در بندر تاریخی سیراف». مجموعه مقاله‌های نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران. صص ۴۰-۱۵.
۲. اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل، ۱۳۸۹. «ارتباط تجاری بنادر باستانی شمالی و جنوبی خلیج فارس در دوره اسلامی تا قرن ۵ هجری قمری (براساس بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی سواحل مرکزی بخش شمالی خلیج فارس)»، رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
۳. ابن‌اثیر جزری، ۱۳۷۱، تاریخ کامل اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: موسسه مطبوعات علمی.

۴. اصغریان جدی، احمد، ۱۳۷۴، «دفاع غیرعامل در ارگ بم». مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی بم، جلد ۲، صص ۳۳۱-۳۲۵، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۵. پیمانی، عبدالرضا، ۱۳۹۰، «گنجبری روستای اسدآباد بهبهان». مجله باستان‌پژوهی، شماره ۷، صص ۱۳۳-۱۳۴.
۶. رایگانی، ابراهیم، ۱۳۹۴، بررسی اقتصاد کشاورزی منطقه أرجان در دوره ساسانی و سده‌های نخست اسلامی براساس متون و داده‌های باستان‌شناسی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۷. رایگانی، ابراهیم، موسوی کوهپر، مهدی و نیستانی، جواد، ۱۳۹۴، واکاوی عوامل موثر بر ویرانی ارجان پس از چندین قرن رونق و شکوفایی. مجله تاریخ/سلام و/ایران، شماره پیاپی ۲۸، صص ۴۱-۶۴.
۸. رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۱، جامع‌التواریخ، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس زنجانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. رجبی، نوروز، ۱۳۹۴، «یافته های باستان شناسی فصل دوم کاوش محوطه ی مادآباد الف- مرو دشت»، مجله پژوهشهای باستان‌شناسی ایران، شماره ۹، صص ۱۹۴-۱۷۵.
۱۰. زارع، شهرام و محمدتقی عطایی، ۱۳۹۰، «کوشک ساسانی (?) ارگان»، مجله باستان‌پژوهی، شماره ۷، صص ۱۳۷-۱۳۵.
۱۱. سپیدنامه، حسین، ۱۴۰۰، بررسی و مطالعه باستان‌شناختی قلاع و استحکامات کوره ارجان از صدر اسلام تا پایان دوره سلجوقی از منظر جغرافیای اداری (با تأکید بر قلاع کوه‌گیلویه)، رساله دکتری رشته باستان‌شناسی گرایش دوران اسلامی، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
۱۲. سپیدنامه، حسین، احمد صالحی کاخکی، هاشم حسینی و ابراهیم رایگانی، ۱۳۹۹، «مطالعه و تحلیل عوامل شکل‌گیری، کارکرد و اهمیت قلاع و دژهای دفاعی کوره ارجان از صدر اسلام تا پایان سلجوقی». مجله مطالعات تاریخی جنگ، شماره پیاپی ۱۱، صص ۷۹-۱۱۴.
۱۳. سپیدنامه، حسین، احمد صالحی کاخکی، هاشم حسینی و ابراهیم رایگانی، ۱۴۰۱، «قلاع و دژهای دفاعی رستاق بلادشاپور از منظر جغرافیای سیاسی اداری». مجله اثر، دوره ۴۳، شماره ۱، صص ۶۳-۴۲.
۱۴. شوارتس، پاول، ۱۳۷۲، جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۸۷، آریوبرزن سردار ایرانی در مقابله با اسکندر مقدونی، نشریه حافظ، شماره ۵۳.
۱۵. عبدی، کامیار، ۱۳۸۷، گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان بهبهان، استان خوزستان (فصل دوم) جلد سوم، با همکاری محمدتقی عطایی و شهرام زارع، اهواز: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خوزستان.
۱۶. فرزاشاد، مصطفی، ۱۳۸۶، مبانی نظری معماری در دفاع غیرعامل، تهران: انتشارات جهان جام جم.
۱۷. گاوبه، هانیس، ۱۳۵۹، ارجان و کوه گیلویه، ترجمه سعید فرهودی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۸. اسدی، علی، ۱۳۹۱، «قلعه استخر و سنگ نوشته نویافته ساسانی». نامورنامه؛ مقاله‌هایی در پاسداشت مسعود آذرنوش. به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده. تهران: نشر ایران‌نگار.
۱۹. یغمایی، احسان، ۱۳۸۴، جغرافیای تاریخی و پیشینه باستان شناسی ارجان، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی، شماره پیاپی ۱۱.

20. Allan, James and Roberts, Caroline, 1987, Syria and Iran: Three Studies in Medieval Ceramics, Oxford University.

21. Dittman, R., 1984, Eine Randebene des Zagros in der Frühzeit: Ergebnisse des Behbahan-Zuhreh surveys, Berliner Beiträge zum Vorderen Orient Band 3. Berlin: D. Reimer.

22. Fehervari, Geza, 2000, Ceramics of The Islamic World In The Tareq Rajab Museum, London, IB Tauris Publishers.

23. Moghaddam, A., & Miri, N., 2007, Archaeological surveys in the "eastern corridor", south-western Iran. Iran, 45(1), 23-55.

24. Priestman, Seth, St John Simpson, 2003, Parthian, Sasanian and Early Islamic Pottery: Dating, Definition and Distribution, A Specialist Workshop at the British Museum. Pp. 1-44.

25. Stein, Aurel, 1940, Old Routes of Western Iran, London, MacMillan.

26. Sumner, William and Donald Whitcomb, 1999, "Islamic Settlement and Chronology in Fars: An Archaeological Perspective". Iranica Antiqua, vol. XXXIV, pp. 310-324.